

بکلی رنج و کداز آن کویند ده که بر او عین کند برای آن کویند ده که در حدیث
گروهی از همه فضیلت مخصوص دخول بازار است که بازاری محفلت است از
ذکر خدا و طاعت و موضوع استغفار است یا مورد تجارت و برایشان طاعت است
دارا سلطنت پس ذکر خدا در بازار آن خافض بنی زین العابدین است در کتب
قائم و غایب و در اصل است که در حال لایحه هم تجارت و لایحه عن ذکر الله
خدا بخواند و علیه السلام گفته اند غلوت در جلوت و غلوت در
صورت کاین است و این غریب است تقریر غریب است و غلوت و غلوت کاین
کلی تم نفع اند و عاید ایام ایام سال کولن هم که تم و سبحی که بیضا
فی الجنة ای در سخن بر نذر و کتاب عمل الیوم و اللیلین سنی
مرد است نیز از حضرت عمر رضی الله عنه زیاد و در سنی که ای و سنی که ضل
تعالیه بر این کلمات مکان عظیم در پیش است و درین زیاد در شمار
با کمال و کار دین و صورت مبارک و صورت و است و اذ اذ کلمه ان
خرج الیه قال بسم الله اللهم انی انسا لك خیر هل
السوق و خیر ما فیها اللهم انی اعوذ ذیات ان اصاب منها
یمینا فاحسبه او صفقه خاصه و صحیح مستخرج
کتاب عمل الیوم و اللیلین سنی و در است از ابو برده که رسول خدا و صفا
و چون اراد کند که از شاکه و کوه و بازار یا بر اعیان خدا و برسد بسوی بازار کوه
بجوای ای بار خدایت نام خدا در هر کوی در بازار یا در بازار یا در بازار یا در بازار
از تو بخواد مکان بازار او بخواند که در آن بازار است از مورد بود در بازار
بآن مورد استغاثت است بر احوال او در بازار یا در بازار یا در بازار یا در بازار

و مکان

و مکان بازار او از بر صبر که در آن بازار است از امور که شغل است از
ذکر خدا یا با عفت است بر حیانت و در کتاب و در کتاب یا بر عقود فاسق و غیر
ذکر بار خدا یا بناه محمود قبولین که رسم در بازار او سوگند بر او کرد در آن
دروغ یا شتم یا عقدر را که در آن زبان و سنی یا مورد شتم و این مخصوص است
بعد تعیم که وقوع هر یک در بازار که است در استغاده از آن نام و صفت
نفت زدن دست است بر دست و کبر و مرد بجهت است یا معشر الحاکم
الفریح احد کم اذ ارجع من منس قبه الی بیته ان یقرأ
مکثر آیات فیکتب الله له بكل آیه حسنة و در بعضی
است معاشری بر او داده انوکع بخارجی یا بر بجز کرم وقع من کتبت
به نصیب برابر جوا استقام بوضوح کبر طرا در صورت از این عیان
در کبر رسول خدا فرمود است ای کوه سو در آن ایام عافیت و در حدیث که
از شما و سنی که کبر در بازار خود که در آن بوده بپوشان خود یا خانه خدا در
ده است قرار است که خدا تعالی یا بر کند ملا که در آن بپوشد بر او را
بفعل هر آیه حسنة عظیمه در کیفیت که برابر حسنة کثیره است در کتبت
خدا در حدیث که در آن قرار حرفی که سب الله قدی حسنة و اکتسب بوعدها
للاقول الم حوت علی لغت حرف و لام حرف و سیم حرف و نه آن حدیث که
در دست و سنی زیاد هر حسنة از حسنة حرم هم که و اذ اذ اذ
کون فی الله ببارکنا فی من ناک و بارکنا فی من ناکنا
و بارکنا فی صانعنا و بارکنا فی من ناکنا
نیز با ده و غزاه و کشتی با کوه الصاع از بوبه اولاد به تعیم همانه در هر طوط